



موافقت پوتین با آتش بس

ولادیمیر پوتین می گوید که با پیشنهادها آتش بس موافق است، اما اضافه می کند که سوالاتی دارد و روسیه اکنون در تمامی جبهه ها در حالت تهاجمی قرار دارد. پوتین تأکید کرد: از رئیس جمهور ترامپ به خاطر توجهش به حل و فصل در اوکراین تشکر می کنم، ما پیشنهاد توقف عملیات های جنگی را می پذیریم اما این توقف باید به صلی طولانی مدت منجر شود. وی ادامه داد: اوکراین باید درخواست ملاقات با مقامات آمریکایی را می داد نه برعکس. او همچنین گفت: اوضاع در کورسک کاملاً تحت کنترل ماست. نیروهای متجاوز به سرزمین ما در کورسک زیر آتش ما قرار دارند. ما پیشنهاد پایان دادن به خصومت ها در اوکراین را قبول می کنیم، به شرط اینکه به صلح طولانی مدت منجر شود. پوتین اظهار داشت: به نفع اوکراین است که درخواست آتش بس ۳۰ روزه کند و ما با این پیشنهاد موافقیم، اما در مورد اتفاقی که در کورسک می افتد چه کنیم؟ حل مسائل در طول خط تماس هزار کیلومتری در طول آتش بس سی روزه نیاز به بررسی دارد. مسئله نظارت بر آتش بس در طول آتش بس نیاز به مطالعه دقیق دارد. رئیس جمهور روسیه خاطرنشان کرد: موضوع آتش بس خوب است، اما سوالاتی وجود دارد که نیاز به پاسخ دارند. اگر با واشنگتن در زمینه انرژی به توافق برسیم، گاز روسیه را به اروپا باز خواهیم گرداند. او ادامه داد: ما سوخا را باز پس گرفتیم و از همه جنگجویانی که این ماموریت را انجام دادند، تشکر می کنم. ما براساس واقعیت های میدانی، گام های بعدی را برای پایان دادن به درگیری در اوکراین هماهنگ خواهیم کرد.



انتقاد از کشتارها در سوریه

دو منبع آگاه از جلسه غیرعلنی شورای امنیت درباره سوریه در گفت و گو با خبرنگاری «رویترز» افشا کردند: «واسیلی نینزیا» نماینده دائم روسیه در سازمان ملل قتل های طایفه ای در ساحل سوریه را با نسل کشی سال ۱۹۹۴ در رواندا مقایسه کرد. این دو منبع گفتند: نینزیا در جمع حاضران جلسه گفت که «هیچ کسی مانع کشتار در سوریه نشد». همچنین نماینده روسیه در این جلسه از انحلال ارتش سوریه و کاهش شدید نیروهای بخش عمومی انتقاد کرد و هشدار داد که ممکن است سناریوی عراق در سوریه تکرار شود. خبرنگاری «رویترز» در این رابطه گزارش داد: نماینده روسیه ابراز نگرانی کرد که تروپست های خارجی در سوریه نقش مخربی را ایفا می کنند. رویترز به نقل از منابع آگاه خود اعلام کرد: نمایندگان آمریکا، فرانسه و چین در سازمان ملل نیز نگرانی های خود را نسبت به حضور شبه نظامیان خارجی در سوریه ابراز کردند. انتقادهای مسکو از سران جدید سوریه در جلسه غیرعلنی شورای امنیت همزمان با تلاش های آن برای حفظ دو پایگاه نظامی اصلی در ساحل سوریه، همان منطقه ای که هفته گذشته شاهد درگیری های شدیدی بود، مطرح شدند. نینزیا در پاسخ به این سوال که آیا خشونت ها در سوریه را به کشتار جمعی در رواندا تشبیه می کند، گفت: آنچه در گفت و گوهای غیرعلنی می گویم براساس این فرض است که اینها ریزنی هایی پشت درهای بسته هستند و چیزی از این جلسات بیرون نمی رود. مسکو در طول سال های گذشته پایگاه های نظامی را در سوریه احداث کرد که از جمله آنها پایگاه هوایی «حمیمیم» و پایگاه دریایی «طرطوس» هستند که به منزله دو مرکز اصلی حضور نظامی روسیه در منطقه دریای مدیترانه و آفریقا محسوب می شوند.

جنگ، حق دفاع از مصر را برای خود محفوظ نگه دارند. با این حال، تهدیدات شفاهی آنها تنها پس از آن صورت گرفت که نیکلای بولگانین، نخست وزیر شوروی و دیمیتری شپیلوف، وزیر امور خارجه، نامه های محکمی به بریتانیا و فرانسه ارسال کردند و به احتمال اقدام نظامی علیه آنها اشاره کردند. شوروی و اعراب تنها پس از مخالفت رئیس جمهور ایالات متحده، دوايت آیزنهاور با کمپین نظامی و درخواست تخلیه نیروهای خارجی از مصر، بیانه های قوی صادر کردند. در سال ۱۹۶۴، جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، خواستار برگزاری نشست سران کشورهای عربی در قاهره شد که آغازگر نشست های منظم سران بود که تا امروز ادامه دارد. با وجود اینکه این گردهمایی به مسئله فلسطین می پرداخت، اما تمرکز آن بر آمادگی برای جنگ علیه اسرائیل نبود. برعکس، ناصر از ظهور جنبش فتح به خاطر برنامه های آن برای انجام حملات چریکی علیه اسرائیل احساس ناراحتی می کرد، زیرا می ترسید که مصر را به درگیری بکشاند و ارتش مصر برای این درگیری آماده نبود. از این رو وی از تشکیل سازمان آزادیبخش فلسطین و همچنین ارتش آزادیبخش فلسطین برای جذب جوانان فلسطینی و منصرف کردن آنها از پیوستن به فتح خبر داد. اگرچه اردن و لبنان اجازه تشکیل واحدهای مسلح فلسطینی را در سرزمین های خود رد کردند، مصر، سوریه و عراق پیوستن به سازمان آزادیبخش فلسطین را برای فلسطینی های مقیم کشورهایشان اجباری کردند.

آینده مشکوک

تنها نشست قاطع اعراب که تاکنون برگزار شده است، هیچ ارتباطی با مسئله فلسطین نداشته است. این نشست در ۱۰ اوت ۱۹۹۰ در قاهره در پاسخ به حمله عراق به کویت برگزار شد. رئیس جمهور مصر حسنی مبارک می خواست روشن کند که دیپلماسی عربی نمی تواند عراق را متقاعد کند که ارتش خود را از کویت خارج کند. اتحادیه عرب بدون حمایت متفق القول از سوی کشورهای شرکت کننده، که به طور سنتی هنگام اتخاذ تصمیمات مشترک مورد نیاز است، بیانه پایانی در محکومیت اقدامات عراق منتشر کرد و از ایالات متحده برای رهبری ائتلافی برای آزادسازی کویت دعوت کردند. با این حال، سه روز قبل از اجلاس، ورود نیروهای آمریکایی به عربستان سعودی آغاز شده بود و یک روز بعد، سربازان مصری و سوری در آنجا فرود آمدند.

در سال ۱۹۶۹، نشست اضطراری سران کشورهای عربی در رباط پایتخت مراکش برای رسیدگی به آتش سوزی مسجدالاقصی برگزار شد. اما رهبران عرب نتوانستند در مورد نحوه برخورد با این موضوع توافق کنند. حتی قبل از بحث در مورد تصمیم یا بیانه نهایی. در پی این ناپسامانی، یک شاعر مشهور سوری رهبران عرب را دروغگو توصیف کرد که وقتی از آنها خواسته می شود تصمیمی را که گرفته اند اجرا کنند عصبانی می شوند و در مواقع سختی فرار می کنند، به دوستان خود خیانت می کنند و آبروی مردم خود را می برند. سران کشورها اغلب در اجلاس ها شرکت نمی کنند، ظاهراً به دلیل شرایط پزشکی یا سایر مشغولیت ها. در اجلاس اقتصادی سال ۲۰۱۹ در بیروت، با تمرکز بر ایجاد اتحادیه گمرکی عربی، تنها رئیس کشوری که در آن شرکت کرد امیر قطر بود که پس از جلسه افتتاحیه این کشور را ترک کرد. بسیاری از ناظران برای پایان دادن به اجلاس سران کشورهای عربی بحث کرده اند و آنها را بی معنی و ناتوان از پر کردن شکاف بزرگ بین کشورهای عربی می دانند. نشست اخیر در قاهره صرفاً جدیدترین نشانه ناتوانی آنها در حل بسیاری از مشکلات منطقه بوده است.

ترجمه: آریا صدیقی

دارد و آن چگونگی تعامل با ترکیه به عنوان یکی از بزرگترین قدرت های مسلمان در منطقه است. نحوه تعامل و تفاهم بین آمریکا و ترکیه بسیار اهمیت یافته است. خصوصاً پس از سرتیونی بشار اسد در ترکیه و روی کار آمدن جریان سیاسی همسو با ترکیه در دمشق. این مسئله می تواند جرقه یک درگیری ژئوپلیتیکی میان ترکیه و اسرائیل از یک سو و آغاز درگیری میان ترکیه و ایران از سوی دیگر باشد. مسئله دیگر ترامپ، مسئله برنامه هسته ای ایران است. ترامپ البته اعلام کرده که برای توافق با ایران آماده است. اما واقعیت این است که آنقدری که ابراز تمایل ایران برای چنین توافقی مهم است، آمادگی آمریکا چندان اهمیت ندارد. ایران در میانه یک گذار بزرگ سیاسی در عرصه قدرت است و شکل و شمایل توافق با دولت ترامپ می تواند موجب بروز یک نزاع قدرت در عرصه داخلی ایران شود. در نهایت، اگر به درگیری در اروپا و درگیری ها در خاورمیانه بنگرید به وضوح می بینید که هر دو درگیری یک وجه مشترک دارند و آن روسیه است. روسیه یک بازیگر مهم در اروپا و خاورمیانه است. این کشور منافع استراتژیکی در خاورمیانه و به خصوص در سوریه دارد. از این جهت است که روسیه پیشنهاد داده تا به واشنگتن در انجام توافق با ایران کمک کند. چراکه خود را لولای درمی می بیند که تحولات اروپا را با تحولات خاورمیانه پیوند می دهد اما باید گفت که عزم ترامپ برای پایان دادن به درگیری ها در اروپا و خاورمیانه، موانع مهمی را پیش روی خود دارد. آمریکایی ها مجبور هستند در این مسیر، چندین بازیگر مختلف با منافع مختلف با خود همسو کنند. ترامپ برای انجام این کار وقت زیادی نیز ندارد چراکه با توجه به بزرگی کار و محدودیت زمان، انتخابات میان دوره ای آمریکا از آنچه به نظر می رسد، نزدیک تر است.



عرب در قاهره برای رسیدگی به موضوع غزه

اتحادیه عرب تلقی خواهد شد. این سازمان خواستار ارائه کمک های مالی به فلسطینیان شد، اگرچه این گروه نتوانست مکانیسمی را برای ارائه چنین حمایتی ارائه کند. کشورهای عربی نیز همچنان تمایلی به تامین سلاح برای فلسطینیان نداشتند.

کشورهای عربی در سال ۱۹۴۶ در واکنش به تصمیم بریتانیا مبنی بر باز نگه داشتن درهای مهاجرت یهودیان به فلسطین حتی پس از پایان دوره مشخص شده در کتاب سفید ۱۹۳۹، دومین اجلاس سران را در سال ۱۹۴۶ در بلودان برگزار کردند. این نشست در میان تظاهرات گسترده در سراسر منطقه عربی اعلام شد. در حالی که مصر علاقه مند به مذاکره با بریتانیا برای متقاعد کردن این کشور برای تخلیه نیروهایش از منطقه کانال سوئز بود، سایر هیئت های عربی در حال ارتباط با افسران اطلاعاتی بریتانیا در خاورمیانه بودند تا نتایج نشست را هماهنگ کنند.

در سال ۱۹۵۶، کشورهای عربی نشست را در بیروت برگزار کردند تا از مصر در جنگ سوئز حمایت کنند و در صورت امتناع اسرائیل، بریتانیا و فرانسه از پایان دادن به

بسیاری از ناظران برای پایان دادن به اجلاس سران کشورهای عربی بحث کرده اند و آنها را بی معنی و ناتوان از پر کردن شکاف بزرگ بین کشورهای عربی می دانند. نشست اخیر در قاهره صرفاً جدیدترین نشانه ناتوانی آنها در حل بسیاری از مشکلات منطقه بوده است

پاسخ نداده و با دیدگاه های منسوخ گره خورده است. موضوع فلسطین اگر نگوئیم تنها محور، بلکه اصلی ترین محور تمام اجلاس های اعراب بوده است که از سال ۱۹۴۷ برگزار شده است. اولین اجلاس در منطقه تفریحی کوهستانی بلودان سوریه در پاسخ به خشم اعراب پس از انتشار گزارش کمیسیون پیل که بریتانیا خواستار تقسیم فلسطین به دو کشور، یکی یهودی و دیگری عربی بود، برگزار شد. دومین دوره در سال ۱۹۴۶، یک سال پس از تأسیس اتحادیه عرب، در روستای انشاس مصر برگزار شد. شرکت کنندگان شامل هفت کشور مستقل اتحادیه عرب در آن زمان بودند: مصر، عراق، سوریه، لبنان، اردن، عربستان سعودی و یمن. موضوع اصلی جلوگیری از تأسیس دولت یهود بود. در این اجلاس بر لزوم ایستادگی در برابر صهیونیسم به عنوان خطری که نه تنها فلسطین بلکه همه کشورهای عربی و اسلامی را تهدید می کند، تأکید شد. همچنین خواستار توقف کامل مهاجرت یهودیان به سرزمین های تحت مالکیت فلسطین شد و تأکید کرد که هرگونه سیاست طرفداری رژیم صهیونیستی از سوی آمریکا و انگلیس اقدامی تجاوزکارانه در نظر همه کشورهای

ترتیبات امنیتی خود را ایجاد نکند، به احتمال زیاد، ناتو چارچوب اصلی معماری امنیتی اروپا خواهد بود؛ البته ناتوی که در آن اروپا مشارکت بیشتری خواهد داشت. حتی اگر فرض کنیم که جنگ روسیه و اوکراین پایان خواهد یافت، باز هم اروپا در درازمدت به یک معماری دفاعی جدید نیاز خواهد داشت چراکه این دیدگاه در اغلب کشورهای اروپایی پذیرفته شده است که در صورتی که روسیه فرصتی برای بهبود وضعیت خود بیابد، ممکن است پیشروی خود را به سمت غرب از سر بگیرد.

اتفاقاً به دلیل همین واقعیت ها است که ایالات متحده روند مذاکره با روسیه را آغاز کرده است. جدال علنی که اخیراً بین زلنسکی و ترامپ، در دفتر بیضی شکل کاخ سفید رخ داد، شاید مهمترین نشانه برای محدودیت هایی باشد که واشنگتن در این مسیر با آنها مواجه است. هر چند اوکراینی ها چاره ای نداشتند جز اینکه خیلی سریع تنش به وجود آمده میان زلنسکی و ترامپ را به نحوی رفع و رجوع کنند اما این مسئله نافی چالش ها و محدودیت های واشنگتن در مواجهه با روسیه نیست. نحوه برخورد دولت ترامپ با روسیه ممکن است در عرصه داخلی نیز فشار را بر دولت ترامپ افزایش دهد.

ترامپ حتی قبل از ورود به کاخ سفید، تحرکاتی برای برقراری آتش بس در غزه و لبنان صورت داد. اما واقعیت این است که آتش بس در غزه و لبنان همچنان شکننده است. حزب الله به عنوان یک نیروی نظامی به شدت تضعیف شده است و این ضعف، فرصتی برای تقویت دولت لبنان در مقابل جنبش اسلامگرای شیعه طرفدار ایران ایجاد کرده است. حماس، اگرچه به طور قابل توجهی تضعیف شده، اما همچنان آزاد است و حضورش در غزه همچنان نگرانی هایی برای اسرائیل به همراه خواهد داشت. در غزه،

ایالات متحده با دو چالش اصلی مواجه است: آزادی گروگان ها و واد کردن حماس به ترک قدرت. دولت ترامپ پیشنهاد کنترل غزه و بازسازی آن را مطرح کرد، اما طرح او شامل انتقال حدود دو میلیون ساکن غزه به کشورهای عربی مانند مصر و اردن بود. این پیشنهاد هرگز یک طرح جدی نبود بلکه یک تاکتیک فشار از سوی ترامپ، برای تحت فشار قرار دادن اعراب منطقه در جهت برعهده گرفتن مسئولیت مسئله فلسطین بود. این مسئله ای است که اعراب هرگز در قبالتش مسئولیتی نپذیرفته اند.

ایالات متحده از عربستان سعودی می خواهد استین ها را بالا بزند و در خصوص مسئله فلسطین به طور مستقیم ورود کرده و مسئولیت بپذیرد. در ازای این اقدام، ظاهراً ترامپ سیگنال هایی مبنی بر وارد کردن عربستان سعودی به مسیر برای تبدیل شدن به قطب قدرت در خاورمیانه ارسال کرده است. سعودی ها تا حدودی در این خصوص انگیزه هم دارند. در هر صورت سعودی ها همواره ایران را مهمترین رقیب خود در خاورمیانه می دانسته اند و همواره تمایل داشتند با سلطه ای ایران بر منطقه پایان داده و رهبری بلامنازع منطقه را خودشان به دست بگیرند. مسیری که ترامپ برای تحقق این هدف پیش پای عربستان سعودی گذاشته است، ورود به توافقات آبراهام و عادی سازی روابط با اسرائیل است. دولت ترامپ حتی حاضر شد برای جلب نظر مثبت عربستان سعودی، مذاکرات خود با روسیه درباره اوکراین را در عربستان سعودی برگزار کند و به این ترتیب عربستان را وارد بلوک قدرت های تاثیرگذار جهانی کند. کشورهای عربی به دنبال پیشبرد طرح خود برای ایجاد ثبات در غزه هستند اما ایالات متحده طرح پیشنهادی آنها را ناقص می داند.

ایالات متحده در مسیر ایجاد تغییر در خاورمیانه، چالش دیگری نیز